

خبر

معاون اول رئیس‌جمهور:

جان‌باختن نخبگان ضایعه‌ای بزرگ برای کشور بود



● ایسنا: معاون اول رئیس‌جمهور شامگاه سه‌شنبه با حضور در منزل یکی از خانواده‌های عزادار از حادثه هوپمای اوکراینی، ضمن عرض تسلیت و ابراز همدردی، از خداوند متعال برای آنان صبر و برای درگذشتگان طلب غفران و رحمت الهی کرد.

اسحاق جهانگیری با اشاره به مصیبت سنگین واردشده به کشور و ملت در پی سقوط هوپایم، داغ و اندوه این حادثه برای خانواده‌های جان‌باختگان را طاقت‌فرسا توصیف کرد و گفت: فقدان مهندس میرمحمدمهدی صادقی و همسرش، سرکار خانم بهاره حاج‌اسفندیاری و دختر کوچکشان، مرحوم انیس‌ا صادقی، برای بازماندگان ضایعه بزرگی است که تنها با توکل و توسل به ذات بی‌همتای حضرت حق قابل تحمل است.

او با بیان اینکه اردست‌دادن هرکدام از نخبگان ضایعه‌ای بزرگ برای کشور بود، گفت: آنها سرمایه‌های بزرگی برای کشور محسوب می‌شدند و من به نمایندگی از طرف دولت با خانواده‌های این عزیزان ابراز همدردی کرده و ان‌شاءالله آنها با انبیا و اولیای الهی محشور شوند.

در این دیدار که در فضایی مملو از حزن و اندوه برگزار شد، خانواده این سه عزیز به خصوصیات اخلاقی و علمی آنها اشاره کرده و به پرسش‌های دکتر جهانگیری درباره رسیدگی و وضعیت خانواده‌ها در شناسایی و تدفین اجساد پاسخ دادند.

تجربه دیگران

حضور بیشتر، افسردگی بیشتر

● به‌تازگی تحقیقی منتشر شده است که از افسردگی دختران به علت حضور در شبکه‌های اجتماعی خبر می‌دهد. طبق این تحقیق که گزارش از آن در سی‌ان‌ان منتشر شده است، استفاده از رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه در دختران نوجوان با افسردگی مرتبط است. طبق این تحقیق جدید به نظر می‌رسد این مسئله ممکن است پیچیده‌تر از آن باشد که کارشناسان فکر می‌کنند. این تحقیق که هفته گذشته منتشر شد، شامل مصاحبه با تقریباً ۱۰ هزار کودک بین ۱۳ تا ۱۶ساله در انگلیس بود. محققان دریافتند افزایش حضور در رسانه‌های اجتماعی، نوجوانان را در معرض قلدری مجازی (حملات سایبری)، کاهش خواب و کاهش فعالیت‌های بدنی و آسیب‌دیدن سلامت روان به‌ویژه در دختران قرار می‌دهد. راسل وینر، از محققان این پژوهش، گفت: «نتایج تحقیق ما حاکی از آن است که رسانه‌های اجتماعی به خودی خود خسارتی ایجاد نمی‌کنند، اما استفاده مکرر از آن ممکن است فعالیت‌هایی را که تأثیر مثبتی بر سلامت روان مانند خواب و ورزش دارند، مختل کند. همچنین افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی سبب می‌شود نوجوانان هرچه بیشتر در معرض محتوای مضر قرار گیرند، به‌ویژه آزار وادیت سایبری را تجربه کنند. به عبارت دیگر، ممکن است خود رسانه‌های اجتماعی مقصر مسائل بهداشت روان نباشند اما هنگامی که کاربران، کاربران دیگر را در معرض حمله سایبری قرار می‌دهند، از کیفیت خواب و ورزش دختران کاسته و همین مسئله باعث پایین‌آمدن سلامت روان آنان شود».
بیاب پاتون، مدرس روان‌شناسی بالینی در دانشگاه، به سی‌ان‌ان می‌گوید: «این تحقیق به معنای آن است که می‌توان راهکارهایی برای کاهش استفاده از شبکه‌های اجتماعی را طراحی کرد. و به دختران و نوجوانان پیشنهاد داد». پاتون که درگیر این تحقیق نبوده، معتقد است: «استراتژی‌های ساختاری برای افزایش مقاومت در برابر حملات سایبری و ارتقای رفتارهای بهتر در زمینه خواب و ورزش ممکن است در کاهش آسیب‌های جسمی و روانی مؤثر باشد». محققان این پژوهش معتقدند عوامل مؤثر بر سلامت روانی پسران متفاوت‌تر است و به تحقیقات بیشتری نیاز است. این تحقیقات از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ انجام شده است. آنها نحوه و میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی، از جمله فیس‌بوک، اینستاگرام، واتساپ، توئیتر و اسنپ‌چت را بررسی کردند و استفاده روزانه بیش از سه بار را به عنوان «پرکار» در نظر گرفته‌اند. در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ محققان درباره پریشانی یا سلامت روانی نوجوانان تحقیق کردند و درباره مواردی مانند رضایت از زندگی، خوشبختی و اضطراب پرسیده‌اند. محققان دریافتند فارغ از جنسیت نوجوانان، استفاده بیشتر از رسانه‌های اجتماعی با پریشانی بیشتر روانی همراه است. این تأثیر به‌ویژه بین دختران مشخص‌تر بود: هرچه بیشتر آنها در رسانه‌های اجتماعی وقت می‌گذراندند، سلامت روانی آنها بیشتر مختل می‌شد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۶ دی ۱۳۹۸ • ۲۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ • ۱۶ ژانویه ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۲۵ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۷:۳۴ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

ولتتین دروژینین



عکس

دیدار دماوند و ماه



در اهمیت عکس هیچ حرف ناگفته‌ای نمانده است. در این چند روز و وقایع سیل خبرگزاری‌ها حضور دائمی داشته‌اند و لحظات متفاوتی را خلق کرده‌اند؛ عکس‌هایی که با دیدنشان جان‌ها آتش می‌گیرد.

● اما عکسی که روز قبل توانست در شبکه‌های اجتماعی با استقبال فراوان روبه‌رو شود، عکسی بود که چند روز پیش «مجید قهرودی» در صفحه اینستاگرامش از مقارنه دماوند و ماه کامل قرار داده بود؛ عکسی که سه سال صبر کرده تا این مقارنه از زاویه‌ای که منتظرش بود، اتفاق بیفتد. خودش نوشته است: «بعد از سه سال بالاخره بهش می‌رسی! می‌رسی اون بالا، سر ساعتی که باید باشی، اون بالایی، بالاتر از این دنیای غرق در آلودگی! روزها و سال‌ها در انتظار گذشته بود، روزهای سخت، و سخت‌ترین روز هم مون روز بود، تمام مدت صعود ترس اینو داشتم که نکنه باز نشه عکس بگیرم! رسیدم بالا، چه هوایی... دماوند/ و دیدم و مبهوت شدم...

آلودگی! وجود نداره... سرد بود... منظر شدم اومد. محو تماشا شدم...



کاش نمود نم می‌شد اون صحنه... و دور از چشم همه دنیا، فرصت خوبی هم بود، همه دنیا همون لحظه داشتن دقیقاً اون طرف آسمون و گذر عطارد رو از جلوی خورشید موقع غروب تماشا می‌کردند! و این سمت هم... یک

سلام به فردا

زبان فارسی، زبان جنگ نیست



علی‌اکبر قاضی‌زاده روز‌نامه‌نگار

این روزها کشورهایی می‌خواهند زبان ما را در شبکه های اجتماعی به عنوان زبان جنگ نشان دهند، حتی ترامپ به زبان فارسی در توئیتر می‌نویسد، در مقابل تلاش ماست که می‌تواند این توطئه های موجود را پس بزند و به این رفتارهای سیاسی دل‌بنندیم زیرا او نمی‌داند زبان فارسی چیست. آنچه می‌خواهم بگویم به نقل از مرحوم محیط طباطبایی است که خود از استادان روزنامه‌نگاری و زبان و ادبیات فارسی بوده است. ایشان فرمودند: روزنامه‌هایی که به زبان فارسی در کلکته هند، مصر و عثمانی اوایل دوره قاجار، منتشر می‌شدند، از کشورهای قریقزستان، ازبکستان و جمهوری‌های شمال ایران تا برمه خوانده می‌شدند و اگر به نقشه جهان دقیق شوید می‌بینید که چه وسعت عظیمی است. همچنین به نقل از مرحوم سیدجعفر شهیدی که از استادان بنام ایرانی است برایتان می‌گویم که می‌فرمود: در دانشگاه الازهر مصر یک کرسی تخصصی برای تدریس زبان و ادبیات فارسی بود که وقتی ایشان اوایل دهه ۷۰ خورشیدی به آنجا رفته بود متوجه می‌شود به جای زبان فارسی در آنجا دارند عبری تدریس می‌کنند و این را با اظهار تأسف هم می‌گفت. یک‌زمانی زبان فارسی زبان دوم دربار عثمانی بود و ما بودیم که زبان و دستور زبان را به اعراب دادیم و این چیزهایی که می‌گویم برایشان اسناد موثق هست اما زبان فارسی امروز محدود شده است به سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان که زبانشان فارسی است و همچنین برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس که در آنجا هم هنوز ایرانیانی هستند که ریشه گرفته‌اند و در عین حال برخی از ایرانیانی که در مغرب‌زمین به صورت اقلیت زندگی می‌کنند و زبانشان فارسی است. حالا اگر بپرسید حیطه زبان فارسی چطور است؟ باید بگویم که الان چیز دندان‌گیری به زبان فارسی در دنیا تولید و عرضه نمی‌کنیم، ولی هنوز کسانی در دنیا به خاطر شعر حافظ و سعدی می‌آیند و زبان فارسی را می‌آموزند و اینها مربوط به گذشته است و چنانچه متونی از ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، ریاضیات خیام و فارابی به زبان‌های دیگر دنیا ترجمه و در دانشگاه‌هایشان تدریس می‌شود، مربوط به گذشته است و امروز دیگر تولیدی نداریم که همه را مجبور کند که باز هم زبان فارسی بیاموزند. اما در مقابل اورهان پاموک دو، سه داستان نوشته

که نظر همه دنیا را به زبان ترکی جلب کرده است و البته تنها خود زبان هم نیست و در کنارش فرهنگ نیز مهم است؛ بنابراین دولت‌های ما هم کمک چندانی به گسترش زبان فارسی نکرده‌اند و اگر دل‌بلیش را بخواهیم بدانیم، واقعیت این است که کسی برای این زبان دل نمی‌سوزاند و از آن طرف می‌بینیم که چقدر ترکیه‌ای‌ها و پشتوها برای شناساندن و خواندن زبانشان هزینه می‌کنند تا در لایه های علمی جهان بتوانند زبانشان را به دولت‌های دیگر معرفی کنند. در حال حاضر سالانه زائنی‌ها چقدر برای شناساندن زبانشان که واقعا آموختنش هم خیلی سخت است هزینه می‌کنند. متأسفانه در کشور ما اصلاً کسی به فکر زبان و ادبیات فارسی نیست و به جز همان چهار پیرمردی که در مورد زبان و ادبیات فارسی و ریشه‌های زبان‌های ایرانی تحقیق می‌کنند، دیگر هیچ توجه‌ای به آن نمی‌شود و اگر همین‌ها هم فوت کنند دیگر کسی را نداریم که برای حفظ و نگهداری زبان فارسی تلاشی کند. متأسفانه کسی به فکر همین چهار نفر هم نیست و برای همین فضای شبکه‌های اجتماعی پر شده است از کلمات و جملات زبان‌های غیرایرانی که متأسفانه به همین‌ها هم می‌بالند. به‌رحال خیلی‌ها تلاش کرده‌اند که در گوگل زبان فارسی مطرح نباشد (و چنانچه در توئیتر هم چنین شده بود) اما در مقابل می‌بینیم چه زبان‌های مرُده و زبان‌هایی با حداقل گویشوران در گوگل فعال بوده‌اند، و به هر روی زبان فارسی در گوگل هم مطرح شده است. من فکر می‌کنم دولت‌ها و حکومت‌هایی هستند که می‌خواهند زبان فارسی را در این شبکه‌ها به شکل دیگری نشان دهند. اما همان‌طور که بارها هم گفتم ما چیز دندان‌گیری برای عرضه‌کردن نداریم و باید در زمینه فرهنگ و ادبیات تلاش‌هایی کنیم و دولت‌های خودمان نیز در این زمینه هزینه کنند؛ چنانچه همان‌هایی که ادبیات گذشته و معاصر ما می‌خوانند متوجه می‌شوند که این زبان ارزش‌های بسیاری دارد. همان‌طور که در دنیا جراحان و متخصصان کامپیوتر بنامی داریم و این را خودشان می‌گویند و نه اینکه بنده برنامی کنم، باید بتوانیم قردران همین چهار پیرمردی باشیم که برای زنده‌نگه‌داشتن زبان فارسی تلاش می‌کنند و درست همانند استاد پورداود و ملک‌الشعراي بهار با همان کتاب سبک‌شناسی‌اش که یک پدیده است و مرحوم محمد معین و عبدالحسین زرین‌کوب نباید بگذاریم اینها هم در گوشه‌ای به فراموشی سپرده شوند؛ ما مطبوعاتی‌ها هم اینها را فراموش کرده‌ایم و بیشتر به اهالی موسیقی و هنرپیشه‌ها پرداخته‌ایم که در بیشتر موارد نیز هنرشان نازل بوده است.

همدلی

این روزها به فکر سیستان و بلوچستان باشیم

را دارد و یکی از مناطق آزاد تجاری است؛ همچنین از نظر آب و هوایی دارای هوایی معتدل و بهاری در همه فصول سال است. دریای عمان یا همان دریای پارس که خلیج فارس را از طریق تنگه هرمز به دریای مکران وصل می‌کند که خود به لحاظ مرزهای مشترک از منظر موقعیت استراتژیک در منطقه و کشور حائز اهمیت است اما نه طبیعت و نه سیاست و تدبیر با این دیار مهربان نبوده. فاصله زیاد بین روستاها و پراکندگی‌شان در منطقه باعث شده است مراکز بهداشتی و درمانی و آموزشی در دسترس همه مردم نباشد؛ چه کودکانی که فقط از نبود حداقل‌های دارویی و پزشکی جان باخته‌اند؛ چه استعدادهایی که به دور از آموزش تباه شده‌اند. فقر و بی‌کاری ناشی از نبود کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و استفاده بهینه از بنادر... و بیاد می‌کند؛ نادیده‌گرفتن هنرها و توانمندی‌های این مردم صبور توزیع ناعادلانه امکانات شهری بین دیگر استان‌ها، آنها را به حاشیه کشانده است. صبر هامون و هیرمند لبریز شده است و گویا خواهان بلعیدن این گوهر ملی هستند. چندروزی است سلابی خانمان برانداز بی‌رحمانه همان ذره آرامش را از جان این مردم گرفته، همان اندک راه‌های ارتباطی را از بین برده؛ مدارس بین روستاها به زیر آب رفته و کشاورزی و دامداری دچار خسارت سنگینی شده است. نیکشهر، لاشار، فهنوج، ایرانشهر، قصرقند، دشتاری و... اوضاع وخیم‌تری نسبت به بقیه مکان‌ها دارند. وقت آن شده است که دولت و مردم این تکه از خاک را هم مورد لطف و توجه خود قرار دهند و به فکر آبادانی‌اش باشند. سال‌هاست سازمان‌های مردم‌نهاد در مناطق محروم‌تر مثل دشتاری، پایگاه‌های آموزشی دایر کرده‌اند و شروع به ساخت مدارس و بردن حداقل نیازهای آدمی به کپرها و وسوسات‌ها کرده‌اند اما واقعیت امر این است که همه این حمایت‌ها در جانب مراکز غیردولتی قطره‌ای در دریاست چراکه منابع مالی و نیروی انسانی نهادهای مردمی بسیار اندک و گروآمدن این منابع بر پایه کمک‌های خودجوش تعداد محدودی از مردم است و بی‌شک نمی‌توان برنامه‌ریزی بلندمدت یا حتی میان‌مدت به واسطه محدودیت این منابع کرد و ایجاد شرایطی مبتنی بر حداقل امکانات در هر نقطه کشور رسیده است؛ تنها بندر اقیانوسی ایران است که در کرانه دریای مکران و اقیانوس هند قرار دارد. خطر حمایت از همه اقشار جامعه را عهده‌دار است. امید می‌رود در شرایط کنونی دولت و سازمان‌های مسئول در راستای رسالت خدمت به همه آحاد جامعه و با رویکرد عدالت‌محوری، دین خویش را به این خطه محروم و مردمان مظلوم آن به درستی ادا کنند؛ مردمانی که به گواهی تاریخ، همواره از بدیهی‌ترین حقوق انسانی محروم بوده‌اند.



پرنده آبی

امیدواری به پایان یک جهنم



● سرانجام آتش‌نشانان استرالیا اعلام کردند موفق شدند «آبر حریق» این کشور را که از آن به بزرگ‌ترین آتش‌سوزی استرالیا یاد شده، تحت کنترل درآورده و مرطوب‌شدن شرایط آب‌وهوایی در روزهای آینده نیز به مهار آتش‌سوزی‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی کمک خواهد کرد. در همین چند ماه گذشته چند آتش‌سوزی مهیب در جنگل‌های جهان رخ داد؛ جنگل‌های لبنان که در چند روز بیش از چهار میلیون درخت خاکستر شد. آتش‌سوزی در جنگل‌های آمازون که چند کشور درگیر شدند و اواخر ماه آذر که آتش‌سوزی در سراسر استرالیا آغاز شده است. البته این چند روز با بارش باران اندکی از ویران‌کنندگی آن کاسته شده و لحظات شادی‌آوری را پدید آورده است، هرچند این آتش سوزی اکنون به کشور همسایه، یعنی نیوزیلند هم رسیده است؛ کشوری که شهر اکلند آن در فاصله دوهزارکیلومتری استرالیا به خاطر دودناشی از آتش چند روز است به رنگ نارنجی درآمده است. ابعاد این آتش‌سوزی در استرالیا گسترده است؛ تاکنون به وسعت کشور سوئیس جنگل‌ها سوخته‌اند و هزاران هزار حیوان مرده‌اند و تصاویری غم‌بار از تشنگی، سرگردانی و سوختگی حیوانات منتشر شده است. حتی فنانوردان ایستگاه فضایی بین‌المللی هم زمانی که بر فراز ۲۶۹ مایلی از زمین و دریای تاسمان (Tasman) بودند، تصاویر تکان‌دهنده‌ای از این آتش‌سوزی منتشر کردند. دود عظیم آتش‌سوزی‌های استرالیا از شبیلی و آرزانتین قابل رؤیت است. کلاغ‌های استرالیا به‌دلیل شدت آتش‌سوزی و با تقلید از اصوات محیط آژیر می‌کشند.

در مراسم گلند-کلوب نیز که مدتی قبل برگزارشده بود، برخی از بازیگران و ستاره‌های شناخته‌شده به این اتفاق پرداختند. راسل کرو، یکی از برندگان، در استرالیا به‌سر می‌برد. کیت بلانشت نیز درباره این اتفاق ابراز نگرانی کرد. حتی خبر سوخته‌شدن یکی از خانه‌های نیکول کیدمن در حاشیه این مراسم مطرح شد، هرچند او و همسرش از طریق اینستاگرام اعلام کرده بودند که ۵۰۰ هزار دلار برای حمایت از کسانی که در حال آسیب‌دیدن از آتش‌سوزی هستند، اهدا خواهند کرد.



این آتش‌سوزی را گسترده‌ترین آتش‌سوزی قرن می‌دانند که سبب شده بیم انقراض یک میلیارد گونه جانوری ایجاد شود. تاکنون مساحتی به وسعت ۶۰۳ میلیون هکتار از دشت‌ها، مراتع و جنگل‌های پیرامونی استرالیا را سوزانده، اما کارشناسان معتقدند ابعاد فاجعه از این هم گسترده‌تر است. حدود صد هزار نفر از سکنه خانه‌های خود را ترک کردند و حداقل هزار و ۸۰۰ خانه نابود شده‌اند. هرچند بارندگی از شدت آتش‌سوزی گسترده در استرلیا کاسته است، اما حداقل ۲۴ انسان و یک میلیارد حیوان در آتش سوختند. بلندای شعله‌های حریق رکورد ۷۰ متر را ثبت کرده است؛ یعنی پنج متر بلندتر از بنای معروف اپرای سیدنی در این کشور. رکورد میانگین دمای این کشور در ماه گذشته میلادی دو بار بی‌دری شکسته شد و به ۴۱.۹ درجه رسید. کارشناسان دلایل تشدید این آتش‌سوزی را گرم، خشکی و باد دانسته‌اند. آسیب‌دیدن استرالیا گفته برای خاموش‌کردن آتش و بهبود وضعیت به دو میلیارد دلار بودجه نیاز است. تصاویری از تلاش کانگوروها برای فرار از آتش در کنار کوالاهایی که در آتش سوخته‌اند، از شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. کوالاها ازجمله حیواناتی هستند که بیشترین آسیب را در این آتش‌سوزی‌ها دیده‌اند. آسیب‌دیدن این حیوانات نخست به آن دلیل است که کُند هستند و آرام حرکت می‌کنند و دیگر آنکه خوراکشان فقط برگ اوکالپتوس است که خود گیاهی روغنی است و حریق‌پذیری بالایی دارد. محمد درویش با انتشار عکسی از نگرانی کوالاها نوشت است: «در این تصویر درنگ کنیم! شاید اگر دانش‌آموزان ما مجال درک چنین تصاویری را در کتاب‌های درسی خود می‌داشتند، احتمال آنکه در بزرگ‌سالی همچنان در کنار اشه خون‌آلود یک حیوان عکس گرفته و خود را با افتخار شکارچی بنامند، بسیار کمتر می‌شد.»